



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۳/آبان/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادیت طهارات ثلاث - راه حل چهارم

(محقق خراسانی) و بررسی آن

جلسه: ۱۴

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

تا کنون سه راه حل برای اشکالات مربوط به عبادیت طهارات ثلاث بیان کردیم. برخی از این راه حل ها با این که فی نفسه مبتلا به اشکال نبودند اما ضرورتی برای التزام به آن ها وجود نداشت و برخی نیز مبتلا به اشکال بودند.

راه حل چهارم (محقق خراسانی)

ایشان در کفایه می فرمایند: طهارات ثلاث فی نفسه مستحب هستند و امر غیره متعلق شده به چیزی که فی نفسه عبادت است. بنابراین عبادیت طهارات ثلاث، دیگر ناشی از خود امر غیره نیست تا اشکال دور پیش بیاید. زیرا مهم ترین اشکال از بین اشکالات پنج گانه در درجه اول اشکال دور بود و در درجه دوم مطلبی که محقق نایینی فرمودند. (اشکال دور عبارت از این بود که قطعاً می دانیم نماز متوقف بر وضویی است که عبادی باشد و قصد قربت در آن باشد. پس توقف امر غیره بر عبادیت وضو مسلم است حال اگر عبادیت وضو نیز ناشی از امر غیره باشد یعنی چون شارع امر کرده و فرموده «توضوا للصلاه» ما نتیجه بگیریم که این وضو «عباده» سر از دور در می آورد. زیرا امر غیره علی الفرض متوقف بر عبادیت وضو بود که توضیحش قبلاً بیان شد حال اگر بخواهد عبادیت وضو نیز از این امر غیره ناشی بشود دور پیش می آید و دور محال و باطل است)

محقق خراسانی می فرماید: لازم نیست عبادیت را از امر غیره به دست آوریم تا مبتلا به اشکال دور شویم. زیرا وضو فی نفسه عبادت است، چون مستحب است. وضو یک استحباب نفسی دارد؛ یعنی «وضو بماهو وضو عباده» با قطع نظر از این که مقدمه نماز باشد. لکن اگر این وضو مقدمه نماز باشد یک امر غیره نیز به آن متعلق می شود. امر غیره متعلق می شود به وضوی عبادی که عبادیتش را از یک امر غیره نگرفته بلکه هو مستحب فی نفسه، با این بیان همه آن اشکالات پنج گانه به نظر ایشان برطرف می شود.

تفاوت راه حل اول (شیخ انصاری) با راه حل چهارم (محقق خراسانی)

در راه حل اول که شیخ انصاری به آن اشاره کردند، گفتند وضو معنون به یک عنوانی است که رجحان ذاتی دارد. یک عنوان قصدی درست کردند که ما نمی دانیم چیست و این فعل و طهارات معنون به آن عنوان دارای رجحان ذاتی است. شیخ انصاری نگفت مستحب است و اصلاً بحث استحباب نفسی مطرح نبود. بلکه گفتند عنوانی که بواسطه آن عنوان و رجحان ذاتی که دارد

عبادت محسوب می شود. حال آن عنوان چیست؟ یک امر مجهول است. منتهی فرمودند که با قصد امر غیر و بواسطه قصد امر غیر مکلف قصد آن عنوان را نیز می کند. یعنی امر غیر واسطه می شود برای قصد مکلف نسبت به آن عنوان وضو که رجحان ذاتی دارد؛ ولی نگفتند که آن عنوان چیست. اما اینجا محقق خراسانی می گویند طهارات ثلاث استحباب نفسی دارند. می توانیم ادعا کنیم ریشه فرمایش محقق خراسانی همان سخن شیخ انصاری است، ولی به شکل کامل تر و گرنه ایشان نیز به همان دو نکته ای که شیخ انصاری به آن اشاره نمود، اشاره می کند که عبارتند از:

۱. این که این طهارات استحباب نفسی دارند. یعنی این عمل دارای مصلحتی است راجحه، که اگر ترک شود عقاب ندارد ولی مصلحت راجحه از دست می رود.

۲. در مقام مقدمه بودن برای نماز، به این مصلحت با واسطه قصد امر غیر می رسد. یعنی وقتی قصد می کند که من وضو می گیرم برای نماز به دلیل امر شارع، یعنی قصد امر غیر می کند. ولی این قصد امر غیر واسطه می شود برای توجه مکلف به استحباب نفسی وضو. لذا عبادت آن درست می شود و مقدمیت آن نیز برای نماز درست می شود. یعنی نیازی نیست که با امر دیگری استحباب آن درست شود.

پس ضمن این که بین راه حل چهارم و راه حل اول تشابه و اشتراک است اما درعین حال فرق هم دارد.

فرق این دو راه حل آن است که شیخ انصاری فرمودند: وضو معنون به یک عنوانی می شود که دارای رجحان ذاتی است و سخنی از استحباب در میان نیست، همچنین آن عنوان برای ما مجهول است. اما اینجا محقق خراسانی می فرماید: فی نفسها این طهارات ثلاث مستحب هستند نه این که از امرغیری این استحباب را دریافت کنند؛ بلکه امر غیر و وضو و غسل و امثال آن متعلق می شود «بما هو وضو مستحب و عباده».

چگونگی حل اشکالات پنج گانه با توجه به راه حل چهارم

اشکال اول: چگونه به وضو با این که یک واجب غیر است و واجبات غیر ثواب مستقلی ندارند، ثواب تعلق می گیرد. زیرا گفتیم که واجبات غیر ثواب مستقل ندارند، اما مواجه هستیم با وضو که دارای ثواب مستقل است.

پاسخ: اگر به وضو ثواب مستقلی تعلق می گیرد و عبادت محسوب می شود، به این جهت است که «مستحب فی نفسه» یعنی با قطع نظر از مقدمیت وضو برای نماز فی نفسه مستحب است بر خلاف سایر واجبات که مقدمات آن ها فی نفسه مستحب نیستند اما این جا این عمل یعنی وضو فی نفسه عبادت است و مستحب شده است و امر نفسی به آن تعلق گرفته است. پس ثواب بخاطر موافقت با این امر استحبابی به مکلف داده می شود.

اشکال دوم: چگونه وضو به عنوان یک مقدمه و واجب غیر برای نماز موجب تقرب به حق تعالی است، درحالی که واجبات غیریه خودشان موجب قرب به حق تعالی نیستند و صرفا بواسطه آن واجبی که نفسی است موجب قرب می شوند.

پاسخ: اگر وضو به عنوان یک واجب غیر و مقدمه برای نماز موجب تقرب می شود نه از باب این است که یک واجب غیر است و مقدمه برای نماز است چون مقدمه و واجب غیر خودش مستقلا موجب تقرب نیست. آن چه که وضو را از سایر واجبات غیر متمایز کرده و کذلک الغسل، این است که این ها فی نفسه مستحب هستند و بواسطه موافقت با آن امر استحبابی به وضو و استحباب نفسی وضو مایه تقرب و باعث قرب حق تعالی هستند.

اشکال سوم: واجبات غیره همگی توصلی هستند. یعنی نیازی به قصد قربت ندارند و بای نحو کان اتیان شوند امرشان ساقط می شود و امتثال صورت می گیرد. درحالی که ما می بینیم وضو به عنوان یک واجب غیری به صرف این که اتیان شود امرش ساقط نمی شود. بلکه حتما باید علی وجه العباده و به قصد قربت اتیان شود. لذا بین واجبات غیری و وضو یک تفاوتی است.

پاسخ: درست است که واجبات غیره همه توصلیه هستند اما این جا چون متعلق امرغیری چیزی است که خودش فی نفسه عبادت است، پس باید علی وجه العبادیه و قصد قربت انجام شود. بنابراین تا به قصد قربت امتثال نشود امر غیری به وضو ساقط نمی شود زیرا از ابتدا امر غیری متعلق شده به وضوی عبادی.

سوال:

پاسخ: بالاخره از ابتدا واجب غیری را با یک مقوماتی معرفی کردند. واجب غیری یعنی واجبی که این ویژگی را دارد و ما از اول واجب غیری را با این عناصر و اجزاء معرفی کردیم، لذا نمی شود درجایی بگوییم ایرادی ندارد که این جا این مشخصات نباشد و این یعنی این مورد واجب غیری نیست. حال وقتی میگوییم این اعتباری است به این معنا نیست که در اعتبار بتوان متناقض حرف بزیم و رفتار کنیم. مثلا از ابتدا می گوییم واجب غیری یعنی ما وجب لغیره هر چیزی که لغیره واجب شود واجب غیری است ولی پس از آن در خصوصیات واجب غیری میگوئید واجب غیری چیزی است که عقل می گوید باید اتیان شود و لابدیت عقلیه به آن حکم می کند زیرا خودش مقدمه است. وقتی این ها تثبیت شدند در برخورد با طهارات ثلاث دچار مشکل می شویم.

سوال:

پاسخ: معنای سخن شما این است که بگوییم «الواجب الغیری ما وجب لغیره الا فی بعض الموارد» این که معنا ندارد یا باید بگوییم: «لیس للواجب الغیری ثواب المستقل الا فی بعض الموارد» در حالی که ما با دلیل و مدرک ثابت کردیم که واجب غیری اصلا نمیتواند ثواب و عقاب مستقل داشته باشد. لذا تخصیص معنا ندارد. به عبارت دیگر تخصیص زدن به عناصر تشکیل دهنده و مختصات واجب غیری یعنی تناقض و این غیر از این است که ما یک قاعده عامی داریم و جایی آن را تخصیص می زنیم. این سخن یعنی منهدم کردن اساس تعریف واجب غیری.

اشکال چهارم: مشکل دور. به این بیان که امر به وضو که یک امر غیری است متوقف شده بر عبادیت وضو (از باب توقف حکم بر موضوع، یعنی تا موضوع نباشد حکمی وجود ندارد و تا زمانی که عبادیت درست نشود، امری نیز به آن تعلق نمی گیرد). ضلع دیگر دور نیز عبارت است از این که عبادیت وضو متوقف بر امر غیری است. اگر عبادیت و این که وضو عبادت است و ثواب دارد از این ناشی باشد که شارع گفته باشد «توضا للوضو» و ما این را از دل امر غیری به دست بیاوریم، دور پیش می آید. زیرا امر غیری متوقف بر عبادیت وضو است از باب این که هر حکمی متوقف بر موضوع خود است. حال اگر بخواهد عبادیت وضو از طریق امر غیری به وضو استخراج شود این می شود دور.

پاسخ: ما عبادیت وضو از امر غیری اخذ نمی کنیم؛ بلکه می گوییم خود وضو فی نفسه مستحب است و یک امر استحبابی دارد.

این جا جایی است که دور از بین می رود.

محقق نایینی دقیقا دست روی این نقطه گذاشته. ایشان می فرماید: عبادیت وضو نه می تواند ناشی از امر غیري باشد زیرا دور پیش می آید و نه می تواند از یک امر نفسی استحبابی حاصل شود. زیرا اگر عبادیت وضو از یک امر نفسی استحبابی ناشی شود سه تالی فاسد دارد:

۱. در مورد وضو و غسل امر نفسی استحبابی داریم. یعنی روایتی وجود دارد که دال بر استحباب وضو و غسل است؛ اما هیچ دلیلی نداریم که تیمم را مستحب بدانیم و راه حل محقق خراسانی مشکل تیمم را نمی تواند حل کند.
 ۲. اگر ما قائل به امر نفسی استحبابی باشیم به محض این که وجوب غیري بیاید روی وضو و شارع بگوید «توضا للوضو» آن امر نفسی معدوم می شود. امکان ندارد وقتی وجوب روی چیزی باشد استحباب آن باقی بماند زیرا در این صورت اجتماع مثلین بوجود می آید و اجتماع مثلین محال است.
 ۳. اگر عبادیت طهارات ثلاث ناشی از تعلق امر نفسی باشد، پس با قصد امر غیري به تنهایی نباید صحیح باشد. زیرا می خواهیم هم عبادت باشد هم مقدمه. امر غیري نیز عبادیت درست نمی کند حال اگر کسی وضو را اتیان کند، عبادت هم باشد ولی بدون این که قصد امر نفسی کند فقط قصد امر غیري کند. کاری ندارد به این که این امر نفسی دارد و باید با قصد قربت آورده شود بلکه می گوید خدا گفته باید وضو بگیری برای نماز و من نیز اتیان می کنم. پس فقط تنها قصد امر غیري می کند. علی القاعده عمل او نباید صحیح باشد در حالی که صحیح است.
- مهم ترین مشکل ما با راه حل محقق خراسانی این اشکال پنجم است که باید بررسی شود.

تذکر اخلاقی: ملاک محبت اهل بیت و دشمنی با دشمنان ایشان

امام سجاد(ع) می فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا لَا لِدُنْيَا يُصِيبُهَا مِنَّا وَ عَادَى عَدُوَّنَا لَا لِشَحْنَاءَ كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ أَتَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ مُحَمَّدٍ (ص) وَ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلِيٍّ ع.»^۱

هر کسی ما را نه بخاطر رسیدن به دنیا دوست بدارد و با دشمنی ما دشمنی کند نه بخاطر کینه های شخصی، ملاقات می کند خداوند را همراه پیامبر و آل او و امیرالمومنین.

این در حقیقت یک تقییدی است برای محبت اهل بیت و دشمنی با دشمنان اهل بیت. محبت اهل بیت البته آثار و برکاتی دارد ولی این محبت باید خالصانه باشد و دشمنی با دشمنی اهل بیت باید خالصانه باشد و شائبه مسائل شخصی و دنیوی و کینه های شخصی نباشد اگر محبت با این ویژگی ها باشد ثمره های زیادی در این دنیا و آخرت دارد که یکی از آن ثمرات که در این روایت امام سجاد به آن اشاره می کند این است که به همراه پیامبر و امیرالمومنین با خدا ملاقات می کند. این اتفاق یک اتفاق با عظمت و باشکوهی است و به سادگی و برای هر کس میسر نیست.

ما هر چه محبت مان را به اهل بیت خالصانه تر کنیم تاثیرش در زندگی ما در این دنیا بیشتر است و تاثیر ائمه بر ما در رفتار و سبک زندگی ما قطعاً ما را به این درجه می رساند که شایسته همراهی اهل بیت در لحظه دیدار با خدا باشیم.

«الحمد لله رب العالمين»